

در رشته ادبیات دانشگاه و مطالعه فلسفه و تاریخ، کم‌کم به این نتیجه می‌رسد که دانشگاه نه فیلسوف تربیت می‌کند و نه ادیب. بلکه حتی می‌تواند مانع تربیت فیلسوف و ادیب گردد. و اگر کسی بخواهد واقعاً در این زمینه‌ها چیزی بیاموزد، نباید تمام امیدش به دانشگاه باشد. البته تحصیل در دانشگاه در رشته‌های علوم انسانی و هنر مؤثر است ولی در بهترین حالت می‌تواند راهنمای خوبی باشد و مقدمات لازم را بیاموزد.

او با اشاره به سابقه بیش از ۳۰ سال تدریس در دانشگاه، می‌افزاید: «معتقدم باید در فرد جوهره‌ای باشد تا دانشگاه شاید بتواند آن را پرورش دهد؛ وگرنه ساختار دانشگاه، به خصوص در فضای فرهنگی ما، نمی‌تواند به ویژه در هنر کسی را به بالندگی برساند».

هاشمی نژاد با تأکید بر این که رشد در این حوزه‌ها نیازمند آزادی و خلاقیت است، می‌گوید: «در هر یک از این رشته‌ها باید امکان خلاقیت داشته باشید، اما ساختار کلاسیک دانشگاه مانع خلاقیت تام و تمام است. اگر این ساختار درست عمل کرده بود باید نشریات ادبی طالب داشته باشد، به عنوان مثال نشری که در مقالات دانشگاهی مقبولیت دارد نشر خلاقه نیست. به همین دلیل سالهاست که نشر محکم و استوار و در عین حال ادیبانه و صاحب هویت کمیاپ است. به نظر من فضای حاکم بر رشته ادبیات دانشگاهی به طور جدی نیاز به بازنگری دارد. باید ذوق و معنی را به ادبیات دانشگاهی تزریق کرد؛ البته به فنون و علوم ادبی هم پرداخت».

آغاز مسیر پژوهش در خوشنویسی

هاشمی نژاد می‌گوید که هم‌زمان با فعالیت در انجمن خوشنویسان، مسیر کاری او نیز به دانشگاه آغاز شد. او از سال ۷۳ به دانشگاه منتقل می‌شود و سال ۷۴ به دانشکده هنر تأسیس می‌شود در دانشکده هنر تدریس خوشنویسی را آغاز می‌کند. به گفته او، در سال‌های نخست، دانشکده هنر بیشتر با مدرسان آزاد اداره می‌شد و تنها چند نفر عضو رسمی داشت. هاشمی نژاد می‌گوید که همان زمان به خلأ جدی منابع در حوزه خوشنویسی پی می‌برد و همین باعث می‌شود به سمت تحقیق برود. او توضیح می‌دهد که در آن سال‌ها مطالعات هنری خود را ادامه می‌داد، اما تمرکز اصلی‌اش به تدریج بر خوشنویسی قرار گرفت.

او در عین حال می‌گوید که ادامه تحصیل دانشگاهی را پی نگرفته چون هم سرگرم کار و فعالیت‌های فرهنگی شده و هم از سوی دیگر، ادبیات را آن‌طور که باید دوست نداشته است.

هاشمی نژاد همچنین از شکل‌گیری نوعی نگاه انتقادی نسبت به دانشگاه در همان سال‌ها سخن می‌گوید: «من هم تا حدی نسبت به دانشگاه موضع گرفتم. رشته ادبیاتی که در دانشگاه خواندم، در این حوزه‌ها مرا به شدت ناامید کرد.

او می‌گوید: «همین نگاه باعث شد که تمایل چندانی به ادامه تحصیل نداشته باشم که البته از اشتباهات زندگی من بود.» با این حال، مطالعات‌اش، او را به

حوزه‌های دیگری می‌کشاند و به مسائلی مثل ایران شناسی و نسخه شناسی علاقه‌مند می‌شود. مسیر تدریس خود را در دانشگاه ادامه می‌دهد و به عنوان مدرس به دانشکده هنر منتقل می‌شود.

تشویق به نوشتن و کشف یک توانایی

هاشمی نژاد می‌گوید از اواسط دهه ۷۰، ارتباط با برخی چهره‌های فرهنگی و فکری، باعث می‌شود او به سمت نوشتن و کار پژوهشی جدی‌تر سوق پیدا کند. او توضیح می‌دهد: «از سال‌های ۷۵ و ۷۶، به دلیل ارتباطاتی که با برخی افراد داشتم، از جمله دکتر زرین کوب - که ارتباطم با ایشان تا اواخر عمرش ادامه داشت - و همچنین از سوی افرادی مانند آقای بابک احمدی، به نوشتن و فعالیت در این حوزه‌ها تشویق شدم».

به گفته‌ی او، برخی از این چهره‌ها خود نیز رویکردی مستقل نسبت به دانشگاه داشتند. «افرادی مانند بابک احمدی یا کامران فانی در حوزه‌های خودشان بسیار

«کتاب‌شناسی خوشنویسی» می‌نویسد و مجله «جهان کتاب» هم بدون ذره‌ای دخل و تصرف آن را چاپ می‌کند.

او می‌گوید که پس از آن، از سوی همان مجله پیشنهاد دیگری برای نقد کتاب «قطاعی» اثر یحیی ذکا دریافت می‌کند اما احترام به جایگاه نویسنده باعث شد مدتی از نوشتن آن نقد صرف‌نظر کند تا زمانی که یحیی ذکا فوت می‌کند.

هاشمی نژاد می‌گوید تا پیش از آن چندان به توانایی خود در نوشتن باور نداشته، اما انتشار نخستین نوشته‌ها سبب می‌شود به این توانایی خود پی ببرد.

شناخته شدن

در عرصه پژوهش‌های خوشنویسی هاشمی نژاد می‌گوید که از اوایل دهه ۸۰ به تدریج در حوزه پژوهش‌های خوشنویسی شناخته می‌شود. از سال ۸۱ به مجامع علمی و فرهنگی دعوت می‌شده و به عنوان پژوهشگر در این حوزه حضور داشته، هرچند خود را در آن سال‌ها هنوز تازه‌کار



می‌دانسته است.

به گفته هاشمی نژاد، نقطه عطف این دوره انتشار آثار مکتوبش بود. اولین مقاله‌های مهم‌اش سال ۸۴ چاپ شد و نخستین کتابی که منتشر کرد «آسمانی و زمینی» یک گفت‌وگوی بلند با آیدین آغداشلو بود. انتشار این کتاب باعث شد او در حوزه پژوهش‌های خوشنویسی در سطح کشور بیشتر شناخته شود.

او در مورد کتاب «آسمانی و زمینی» توضیح می‌دهد که پرسش‌ها و مباحث مطرح‌شده در این کتاب، دغدغه‌های شخصی خودش بوده است؛ و بعدها درباره همه آن‌ها مقاله می‌نویسد.

هاشمی نژاد همچنین تأکید می‌کند در حوزه تخصصی‌اش به دنبال رفع نواقص و خلا بوده است و در حوزه‌هایی مطلب نوشته است که کمتر در باره آنها می‌نوشته‌اند به عنوان مثال در سبک‌شناسی خوشنویسی و زیبایی‌شناسی یا درباره رابطه خوشنویسی با عرفان و مباحث فلسفی، بیش از هر کس دیگری در ایران نوشته است.

او می‌گوید که از حدود سال ۸۵ به بعد، جایگاهش در این عرصه تثبیت می‌شود و نام او به عنوان پژوهشگر خوشنویسی بیش از پیش مطرح شد.

فاصله گرفتن از انجمن خوشنویسان

هاشمی نژاد می‌گوید نخستین دعوت رسمی او برای ارائه سخنرانی به سال

۱۳۸۱ باز می‌گردد؛ زمانی که در «همایش خوشنویسی جهان اسلام به عنوان یکی از سخنرانان بخش پژوهشی دعوت شدم که هم‌زمان با تولد سومین فرزندم بود و شرکت نکردم».

او توضیح می‌دهد که تا اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ همچنان در انجمن خوشنویسان تدریس می‌کرد و در کرمان نیز نمایشگاه برگزار می‌کرد، اما به تدریج فضای این انجمن برایش جذابیت خود را از دست داد. «اختلافاتی که در انجمن خوشنویسان شکل گرفته بود باعث شد احساس کنم دیگر آن فضا برای من مناسب نیست، به همین دلیل در سال ۸۰ به طور کامل از انجمن خوشنویسان جدا شدم».

به گفته او، در همین سال‌ها فعالیت‌های پژوهشی‌اش جدی‌تر می‌شود. مقالاتی که در سال‌های ۸۳ و ۸۴ می‌نویسد، در چند همایش بین‌المللی پذیرفته می‌شود و همین موضوع به شناخته شدن بیشتر او در این حوزه کمک می‌کند.

در همان دوره، فرهنگستان هنر نیز فعالیت‌های خود را آغاز کرده بود و همایش‌هایی برگزار می‌کرد. هاشمی نژاد می‌گوید یکی از مقالات او در این همایش‌ها پذیرفته شد و پیش از آن نیز کتاب «آسمانی و زمینی» با همکاری فرهنگستان هنر، دانشگاه و یک ناشر منتشر شده بود.

در همین زمان از فرهنگستان تلویحاً به او پیام می‌دهند که کار پژوهشی‌اش را ادامه بدهد و آن‌ها از او حمایت می‌کنند. این موضوع سبب می‌شود با جدیت بیشتری این مسیر را دنبال کند.

حضور فعال در دانشگاه و تشویق برای پژوهش

هاشمی نژاد ساعات تدریس زیادی در رشته‌های مختلف، درس‌هایی مانند هنر اسلامی، زیبایی‌شناسی و خوشنویسی را در دانشگاه تدریس می‌کرده؛ موضوعاتی که پیش‌تر درباره آن‌ها مطالعه کرده بود؛ «به تدریج به یک فرد تئوریک در مباحث نظری تبدیل شدم و در دانشکده هنر از فعال‌ترین مدرس‌ها بودم و هنوز هم هستم، هرچند بعدها اتفاقاتی افتاد که تا حدی از آن فضا فاصله گرفتم». اگرچه او حتی «پس از بازنشستگی نیز تا حد امکان» به تدریس ادامه داده است.

به گفته هاشمی نژاد، در کنار حمایت‌های بیرونی، برخی تجربه‌ها در محیط دانشگاه نیز برای او دلگرم‌کننده بود. او از دکتر رجبعلی پور، معاون پژوهشی وقت دانشگاه، یاد می‌کند که «آن زمان دانشگاه برای مقالات هزینه‌ای پرداخت می‌کرد؛ من با اینکه عضو هیئت علمی نبودم، چند خلاصه مقاله و یک مقاله برای معاونت پژوهشی فرستادم و برای آن امتیازی در نظر گرفتند».

او می‌گوید که وقتی متوجه شد امتیاز بالایی برایش ثبت شده، موضوع را با دکتر رجبعلی پور در میان می‌گذارد: «به ایشان گفتم من این قدر امتیاز نمی‌آوردم؛ ایشان گفتند شما دانشجو ندارید و وظیفه‌ای هم برای پژوهش ندارید، اما وقتی این کارها را انجام داده‌اید، من امتیاز شما را دو برابر کردم. این موضوع برای من خیلی مهم بود. البته نقطه مقابل این برخورد را هم